



****در خیابان ها و بزرگراه ها****

(پیامهائی کوتاه برای رانندگی بهتر و زندگی بهتر)

مقدمه:

1-تمام کسانی را که در شهر تهران بزرگ و حومه آن

ساکن هستند و به کار اشتغال دارند ، می توان به دو

گروه تقسیم کرد.

گروه اول راننده وسائط نقلیه عمومی اعم از سواری،

مینی بوس، اتوبوس و یا راننده کامیون و وسائط

نقلیه سنگین هستند . این گروه از 24 ساعت شبانه

روز، حدود 12 ساعت یعنی 50 درصد از وقت خود را در

حال رانندگی بسر می برند.

گروه دوم در ادارات دولتی یا خصوصی شاغل

هستند و یا شغل آزاد دارند . این گروه از 24 ساعت

شبانه روز حدود 8 ساعت یا بیشتر در محل کار و 8

ساعت در خواب و استراحت بسر می برند . از 8

ساعت باقیمانده حدود 2 ساعت برای انجام امور

شخصی، حدود 3 ساعت کنار خانواده و حدود 3

ساعت در ترافیک (چه به عنوان راننده چه به عنوان مسافر) بسر می برند . به عبارت دیگر همان اندازه که در کنار خانواده هستند در خیابان ها و بزرگراه ها در کنار دیگران و در تعامل با آنها هستند.

2-فرهنگ رانندگی در تهران واقعاً پائین است. بطوریکه اغراق نیست اگر گفته شود بزرگترین ناهنجاری اجتماعی مردم ، هنگام رانندگی بروز می کند . به عنوان مثال ، ایرانی ها که در تعارف به یکدیگر زبانزد سایر ملل هستند ، هنگام رانندگی رفتاری کاملاً برعکس در تعامل با دیگران دارند. عدم رعایت مقررات رانندگی و احترام به دیگران تبعات منفی بسیار دارد، زیرا علاوه بر تشدید ناراحتی های اعصاب و روان که سلامتی را تهدید می کند، باعث بروز خسارات مالی و جانی جبران ناپذیر می شود . همانگونه که در بند 1 اشاره شد، زمان قابل توجهی از شهروندان در ترافیک صرف می شود، پس شایسته است برای کاهش آسیب های روانی و عاطفی، در اعتلای فرهنگ رانندگی توجه بیشتری مبذول شود.

3-اشعار کوتاهی که در پی می آید و همه مرتبط با موضوع رانندگی است، در طول ماه های فروردین تا

مرداد و هنگام بازگشت از محل کار، (گاه رانندگی یا پشت چراغ قرمز) به فکرم خطور کرده است. بعضی از آنها جنبه طنز دارند و بعضی دیگر جنبه نصیحت، آموزشی یا انتقادی دارند. . اولین شعر گاه عبور از پل گیشا جرقه زد. وقتی دیدم نسبت به پنجاه سال پیش مفهوم بعضی کلمات چقدر عوض شده است. قبلا پل سازه ای برای عبور از روی رودخانه بود ولی اکنون کاربردی دیگر دارد (هر روز از ده پل عبور می کنم - بر رودخانه هایی که آب ندارند-

سیلی از آهن در آنها جاری ست) !

نکته قابل توجه آنکه وقتی اواخر تیرماه تعداد این

قطعات به حدود 100 عدد رسید فکر می کردم 99

درصد مسائل ترافیکی در این مجموعه اش مطرح شده

است ولی پس از گذشتن دوهفته ، هر روز نکات تازه

ای به ذهن خطور کرد . بنا بر این باید گفت این

مقوله علی الابد می تواند ادامه داشته باشد ، ولی

فعلا به این مقدار بسنده می کنم.

در این جا لازم به ذکر است از آن عزیزانی که احياناً

فکر می کنند، اشعاری که لحنی تند دارند، خطاب به

آنهاست واقعاً پوزش می خواهم چرا که قصد اهانت

به هیچکس را نداشته ام و سلامتی این عزیزان را

آرزومندم.

4- از خواننده عزیز می‌خواهم پس از مطالعه، در حد توان، خود را بیشتر ملزم به رعایت اصول و مقررات رانندگی و احترام به دیگران کند، زیرا همانگونه که اشاره شد، انجام این مهم دستاوردهای زیر را در پی دارد

-تأثیر مثبت در سلامتی و روان

-کاهش استهلاک قطعات یدکی

-صرفه جویی در زمان

-کاهش خسارات مالی و جانی جبران ناپذیر

-و در نهایت افزایش بهره‌وری در زمینه‌های اقتصادی و

فرهنگی در سطوح مختلف جامعه

جواد شریفیان - فروردین تا مرداد 1384

آماده دریافت نظرات انتقادی یا پیشنهادات شما:

Javad.sharifian@gmail.com

رباعی:

کج می کنی و راه مرا می بندی
شاید ته دل کمی به من می خندی
دلگیر نمی شوم، مرامم این ست
در عشق هزارم ، تو به نفرت چندی؟

کج می کنی و راه مرا تنگ ، چرا ؟
من با تو به آشتی تو در جنگ ، چرا ؟
خط های بزرگراه ، صافند اما
تو هی چپ و راست مثل آونگ ، چرا ؟

1

آرزو بر راننده ها عیب نیست
کاش مورچه می شد ماشینم
تا به آسانی بگذرم
از بزرگراه شلوغ همت!!

2

آنکه در بزرگراه زیگ زاگ می رود
دلم به حالش می سوزد
چرا که روان زیگ زاگی دارد

3

آنهمه بد راندی
تا از همه سبقت بگیری
دیدي در این ترافیک
هنوز پشت سرمان هستی

4

اتوبوسی با سرعت
جاده را می پیمود
و چه خالی می رفت!

5

از اینهمه تصادف مرگبار
عبرت نمی گیریم
ولی در رانندگی
همیشه شتاب می گیریم

6

از پارک کردن ماشین می گذرم
جای دیگری هم حتما پیدا می شود
اما از تو که برای پارک کردن
به بدترین روش متوسل شدی
نمی گذرم

7

از پدرت به ارث رسیده ماشینت
هر جور دلت می خواهد
با آن رفتار کن
بزرگراه ارث پدرت که نیست
که هر جور دلت می خواهد
در آن قیقاج می زنی

8

از چراغ قرمز گذشتی
خدا ازت نگذرد

9

از خودم خوشم نمی آید
وقتی سوارم و تک سرنشین می روم
و در این مرداد داغ
مسافران
کنار خیابان
در انتظار ایستاده اند

10

از سمت راست سبقت گرفتم و تصادف کردم

با چه خسارت سنگینی

حالا پشت دستم را داغ کرده ام

که هیچوقت

از سمت راست سبقت نگیرم

11

از مخترعین می خواهم

سواری سخنگو اختراع کنند

سواری سخنگو

حتی اگر ناسزا بگوید

از بوق بهتر است

12

استخوان ترقوه ماشینم شکست

این همه چاله چوله چکار می کند

در این خیابان تاریک!

13

امانت نمی دهند

امانشان بریده

راننده ها

در بزرگراهها

14

امسال چقدر هوا گرم بود
در سی سال گذشته سابقه نداشت
گوینده رادیو پیام حرف قشنگی زد
“ماشینت از شدت گرما جوش آورده ؟
“زیاد مهم نیست
“خودت چرا جوش آورده ای ؟!

15

ای کاش در تمام چهار راههای زندگی مان
چراغ راهنمایی می گذاشتند

چراغهای راهنمایی واقعا مفیدند!

16

این را من نگفته ام
مجری بخش شامگاهی رادیو پیام گفته است:
آنکه خزیده می رود
آنکه دویده می رود
با هم به مقصد می رسند

17

با سبقت بیجا گرفتن
هیچ چیز درست نمی شود
نه در گفتن
نه در رانندگی

کلاهی را قاضی کن
تا همه چیز به خوبی درست شود

18

باور کنیم فقط حق با ما نیست
همه حق دارند به موقع به مقصد برسند
پس رعایت آنها واجب است

19

بخش کوچکی از پلیس های راهنمایی و رانندگی
بجای راهنمایی
فقط به فکر جریمه کردن هستند
بطور مثال: در سر چهار راه.....
به مسافران نمی گویند:
-صد متر آنطرف تر بایستید
به مسافر کش بیچاره گیر می دهند

20

برای رسیدن به خانه
از هفت خوان باید گذشت
هر چراغ قرمز خوانی است

21

برایش تاسف می خورم
مثل فشنگ از کنارم گذشت
هفتصد متر بعد
هم خودش

هم سه سواری دیگر را

متلاشی کرد

22

بزرگراه که جنگل نیست

راننده اتوبوس تصور می کند

سلطان جنگل است

هر طور دلش می خواهد

می راند

23

بوق خیلی بدی زدی تا کنار روم

اگر برایت این چنین بوقی بزنند

کنار می روی ؟

24

بوق سه نوع است

نوع اول و نادر آن هشدار

نوع دوم پرخاش و ناسزا

نوع سوم از سر بی عقلی

25

بوق گاوی گذاشته ای

برای ماشینی به این کوچکی ؟

صدای گاو می دهد ماشینت ؟

چهچه ی دلنشین بلبل را

چرا برای بوق ماشینت

انتخاب نمی کنی ؟

26

بوق ماشین من تقریبا، آکبند “ است
مغز راننده هایی که مدام بوق می زنند
هم!

27

بوق ناسزا است
آنکه ناسزا می گوید
سزاوار دوست داشتن نیست

28

به خانه که می رسم و دور می شوم از چراغ قرمز
دلم به حالش می سوزد
هیچکس دوستش ندارد

29

به کارگری کنار بزرگراه
که رنگ سبز می زند به میله های زنگ زده:
-خسته نباشی هیچگاه
-همیشه سبز باشی همچون بهار

30

به کجا چنین شتابان
تا توقف در دویست متر جلو تر
عجب!!!

31

به گرگ و میش که رسیدی

چرا غه‌ایت را

روشن کن

32

به من راه دادی

تشکر

راهی پر امن و با سلامتی

برایت آرزو می‌کنم

33

به میدان جنگ که نمی‌روی

بسوی خانواده می‌روی

از عصبانیتت بکاه

اخم‌ت را به لب‌خند مبدل کن

و با اعصابی آرام‌تر به رانندگی ادامه بده

34

به همراهیم اگر ادامه دهی

از قماش منی

پشت سرم بران

با هم به مقصد می‌رسیم

35

بیشتر آدم‌ها

طبیعی بنظر می‌رسند

به بزرگراه که می رسند
از طبیعت خود بیرون می شوند
کاش می دانستند
اداره راهنمایی و رانندگی
با کمک دوربین های مستقر در بزرگراهها
برگ ثبت خلافشان را
سه سال دیگر
با جریمه های سنگین
کف دستشان می گذارد

36

بیهوده سبقت می گیری و شتاب می کنی
مجالست برای انجام آنچه که می خواهی
بیشتر نمی شود

37

پدر به پسر می گوید:
پسرم
-درس بخوان
-ورزش کن
-مواظب خودت باش
-درست غذا بخور
-درست بنشین
-درست با من حرف بزن
بیشتر چیزی می گوید

که نفعی برای خودش دارد
کمتر به فکر جامعه است
کمتر می گوید:

-پسرم درستکار باش
-پسرم درست رانندگی کن

38

پسرم
این بزرگراه واقعی است
صفحه مونیتور
و بازی تخیلی رایانه ای نیست
بیشتر مواظب باش

39

پسرم
چند بار بگویم
این درست که خدا مواظب من و توست
ولی خودمان هم باید
هنگام رانندگی بیشتر مواظب باشیم

40

پسرم
خیابان هرچقدر هم کم تردد باشد
زمین بازی فوتبال نیست

41

پسرم

دستت چرا از پنجره ماشین بیرون است ؟

کمی بیشتر احتیاط کن

42

پسرم به تو قول می دهم

اگر آهسته تر برانی

سرعت گیر ها - دشمنان جلو بندی - را

بر می دارند

هزینه تعمیر جلو بندی

واقعا بالاست

43

پسرم بیشتر گاز می دهی

این اصلا خوب نیست

پای راستت را با ترمز بیشتر آشتی بده

44

پسرم کمی آهسته تر

فقط دو دقیقه دیر تر می رسی

دنیا که به آخر نمی رسد

45

پشت چراغ قرمز

هرچند ثانیه یکبار بوق می زنی

با بوق زدن که سبز نمی شود

46

پشت چراغ قرمز طولانی

خاموشش کن

موتور ماشین هم نیاز به استراحت دارد

مصرف بنزین هم کمتر می شود

محیط زیست هم سالم تر می ماند

47

پشت خط عابر پیاده توقف کن

آن عابر شاید

بیشتر از تو برای رسیدن

تعجیل داشته باشد

48

پشت شیشه ماشینش نوشته بود

EAT MY DUST

کاش می نوشت

LOVE IS GREAT

49

پلیس راهنمایی مبصر کلاس خیابانهاست

بیانید دوباره سعی کنیم

شاگردان خوب این کلاس شویم

50

پیاده رو

جای پارک ماشین

و عبور موتور سوار نیست

51

پیشنهاد بکری دارم:
شعاع چراغ قرمز راهنمایی را
بیشتر کنید
طول زمانش را کمتر!

52

پیشنهاد خوب دیگری دارم:
پلیس های راهنمایی
واقعا زحمت می کشند

سر چهار راه ها
یا هرکجا که پلیس راهنمایی دیدید
برایش دست تکان بدهید
خستگی اش کاهش می یابد

53

پیشنهاد خوب بعدی:
فرد و زوج کردن تردد خود روها
مشکل ایجاد می کند
انتقال ادارات دولتی از تهران هم
راه حل آخرین خواهد بود
بجای این طرح ها بهتر نیست
شروع کار ادارات را
عقب ، جلو ببرید

دلیلی ندارد تمام موسسات و ادارات
ساعت 8 صبح شروع به کار کنند!

54

تازگی پر پیچ تاب شده اند خیابان ها
-دور برگردان دیگری در پیش است-

عشوه می فروشد

خیابان خاکستری

به سواری فیروزه ای!

55

تخته بند تنت آسیب می بیند

اگر همیشه بخواهی

تخته گاز برانی

56

تو که اینهمه

وسواس تمیزی ماشینت را داری

چرا به تمیزی رانندگی ات

توجه نمی کنی؟

57

تو که سعی می کنی

در بزرگراه خاکستری

در رانندگی

از همه پیشی بگیری

چرا در بزرگراه زندگی

در دوست داشتن
از همه پیشی نمی گیری

58

تو که مدام دنده عوض می کنی
فقط یکبار برای همیشه
طرز تفکرت را عوض کن
همیشه حق با تو نیست
دیگران به دلیل کثرت
بیشتر از تو حق دارند

59

تو که همیشه تعارف می کنی
هنگام رانندگی هم
به راننده های دیگر تعارف بکن
اگر سفارشم را بپذیری
حتی اگر نپذیری
دعا می کنم
باکت همیشه پر بنزین
و تیوبت پر باد باد!

60

جالب است بدانید
حرکت مورچه ها در کنار کوره راهها
از حرکت سواری ها در جاده ها
منظم تر است

61

چراغ سبز یعنی برو
چراغ قرمز یعنی توقف کن
ولی با کمال تاسف
چراغ زرد یعنی سرعت بگیر
برای فرار از توقف!

62

چراغهای قرمز مگر خواب و آسایش ندارند
از صبح تا به شب و از شب تا به صبح
دائم بیدارند!

63

چرخها به سرعت می چرخند
تا مسافران منتظر و خسته را
پشت سر بگذارند

64

چقدر تند می رود این اتوبوس
راننده اش مگر نمی خواهد
مسافران را سالم به مقصد برساند؟

65

چقدر خودسری می کنی
چقدر شتاب
یک دندگی چرا ؟
یک بار اتفاق می افتد

66

چقدر می چسبانی
فاصله را رعایت کن
اگر جلویی نیش ترمزی بزند و.....
فقط تو مقصری

67

چقدر نیم کلاج بروم
باور کنید کف پای چپم
یک هفته است که درد می کند
چرا نمی خواهند
فکری برای ترافیک ورودی مدرس
به بزرگراه همت کنند؟

68

چه خبر شده
امروز در مسیرم
هی چراغ قرمز
سبز می شود!

69

چه راه بندان سنگینی
پیاده اگر می رفتم بهتر نبود؟
هم کرایه نمی دادم
هم ورزش بود
هم زود تر رسیده بودم

70

چه ماشین شیکی داری
رانندگی ات هم آيا
به شیکی ماشینت هست؟

71

چیستان:

7 ماشین نام ببر که با “ پ ” شروع شوند:
-پاترول -پاجيرو - پرايد - پژو - پورشه
-پونتياک - پيکان-

حالا 7 پیام دوستی در رانندگی:

-پایت را با ترمز آشنا تر کن
-پشت چراغ زرد توقف کن
-پلیس راهنمایی و رانندگی دوست تست
-پلیس خودت باش همیشه بویژه هنگام رانندگی
-پیاده به چند دلیل بر سواره مقدم است
-پیاده را مواظب باش
-(یکی را هم خودتان بسازید)

72

حوصله کن

چراغ قرمز بالاخره سبز می شود
تو هم به سبزه زار همیشه سبز زندگی ات می رسی

73

خاکستر سیگارت را حتی

از پنجره ماشین بیرون نریز
رعایت کاگران شریف شهرداری
بسیار واجب است

74

خلاف می کنی ؟
اگر پلیس نبیند خدا که می بیند
هی با تو هستم
تو که پشت شیشه ماشینت
شعارهای دینی نوشته ای!

75

خیابانها را خط کشی می کنند
کاش می توانستند
روان راننده ها را خط کشی بکنند

76

خیلی بد است این
رعایت صف میدان تره بار را نمی کنی
رعایت صف بزرگراه مدرس را هم!

77

خیلی عجیب است
آفتاب از مغرب طلوع کرده آیا ؟
که راننده ها امروز اصلا بوق نمی زنند
و با هم
مهربان ترند!

78

دارد از بمبئی پیشی می گیرد
بوق زدن در تهران
غافل از اینکه بوق زدن در آنجا
پرخاش و ناسزا نیست
بلکه نشانه اظهار محبت و شادمانی است

79

دارد اسطوره می شود
احترام گذاشتن به دیگران
به هنگام رانندگی

80

داری مستقیم می روی
ده دقیقه است که پشت سرت هستم
چراغ راهنمای سمت چپ
چرا مدام چشمک می زند

81

دخترم
آینه ای که داخل سواری نصب شده
فقط برای چک کردن آرایش صورت نیست
بیشتر برای اینکه با آن
مواظب پشت سرت باشی
چرا اصلا به پشت سرت توجه نمی کنی؟

82

در این بزرگراه شلوغ
چقدر تند می روی
سر شیر به تو بره می بری مگر ؟

83

در بزرگراه همت
کمر بند ایمنی رابستی
خیلی خوب است
حالا کمر همت را
برای رعایت سایر مقررات رانندگی ببند

84

در بزرگراه نیایش
چند صد متر مانده به بلوار اسفندیار
سوار بر سمند چنان می تازد
که رستم است بر پشت رخس
به عزم رفتن
به جنگ اسفندیار!

85

در پمپ بنزین هم رعایت انصاف را نمی کنیم
معادل 20040 ریال بنزین می زنیم
کارگر پمپ بنزین اگر چهل ریال ضرر کند
بهتر از آنست که من که درآمدم از او
زیاد تر است

حتی یک ریال ضرر کنم!!!

86

در تبلیغ رعایت ادب و فرهنگ لازم است
“گفتگوی دو کامیون” با لحنی زشت
برای تبلیغ روغن موتور
برای خیلی ها سوال برانگیز است!

87

در دو جانب جاده
برای شاد کردن
لاله می کارند و گلاب می افشانند
ایستگاه عشق بپا می کنند
اگر آرام تر برانید

88

در دو جانب جاده
درخت کاشته اند
میله ها را هم سبز کرده اند
برای اینکه همیشه سبز باشید

89

در هرتصادف ، بیشتر از 90 در صد
همیشه یک طرف مقصر است
بیشتر از اینکه مواظب خودت باشی
مواظب دیگران باش

90

در هنگام شب
با لباس تیره
قصد عبور از عرض بزرگراه تاریک را داری
زهی خیال باطل!

91

راننده با عبور از چراغ قرمز
گیر پلیس می افتد
“یه بار جستی ملخک
“دو بار جستی ملخک
“سه بار جستی ملخک
“آخر تو شستی ملخک!!! “

92

راننده عزیز
حتی اگر دسته گلی به خانه می بری
برای جشن تولد فرزندت
و آن را روی صندلی کناری گذاشته ای
کمر بند ایمنی برایش ببند!!!!

93

راننده ها اگر
با پلیس مهربانتر باشند
پلیس هم با آنها
مهربانتر می شود

و بالعکس
بیشتر راههای زندگی
دو طرفه است

94

راننده های جوان
مثل فرزندانم هستند
راننده های میانسال هم
مثل برادر یا خواهرم
پس رعایت آنها بر من واجب است

95

رو به قبله است این بزرگراه
مواظب باش
رو به قبله نشوی

96

سر سه راهی گیر افتاده ام
اگر یک ساعت هم بگذرد
کسی مجال عبورم نمی دهد

آیا هیچگاه چون من
سر سه راهی نبوده ای
من هم نیاز به رفتن دارم
درست مثل تو
همین چند روز پیش

97

سرعت را کم می کنی
خیال پیچیدن داری
راهنمایت چرا چشمک نمی زند ؟

98

سه شعر از ذهنم پرید
تا خواستم به جای امنی برسم
برای توقف و ثبت کردنشان

99

سه ماه است در مقوله رانندگی قلم می زنم
اگر هزار نفر نخواند و نخواهد بپذیرد
برای بعدی می نویسم
شاید فقط یک نفر
بپذیرد و رعایت کند

100

سیم ترمزت مگر بریده است
که فقط گاز می دهی
کمی هم ترمز!

101

شتاب مکن
تو هم به مقصد می رسی
زود تر از من حتی

102

شتاب می گیریم و پشت راه بندان

به سختی ترمز می کنیم

به نفع ما که نباشد

به نفع تعمیرکار که هست

103

شخصیت برخی انسانها

بگونه ای است که هرچه از آنها بخواهید

برعکس آن عمل می کنند

از آنها بخواهید

مدام بوق بزنند

مدام سبقت بیجا بگیرند

و مدام زیگ زاگ بزنند در بزرگراه ها

104

شخصیت و تشخیص راننده

اصلا به مدل یا نوع ماشینش نیست

نحوه رانندگی است که به راننده

تشخیص و شخصیت می دهد

105

شهرداری

کف بزرگراه را با نوارهای سفید رنگ

و آسمانش را با چراغهایی با نور زرد

خط کشی کرده

پس تو هم سعی کن
نحوه رانندگی ات را با رنگ سبز خط کشی کنی
و نظم بدهی!

106

شیشه ماشینت را دودی کردی
چرا برای دود سیاه آگزوز ماشینت
کاری نمی کنی؟

107

صبور باش در رانندگی
اعصابت دیر تر فرسوده می شود
بیشتر زندگی می کنی
و بیشتر خواهی راند

108

صدای پخش صوت را کمتر کن
پسرم ، هیجان زیاد
موجب اختلال در رانندگی ات می شود

109

عابر بی فکر
در عرض خیابان شلوغ می دود
خیال خودکشی دارد مگر؟

110

عرض پل ها را بیشتر کنید

چقدر باریک است این پل

به پل صراط می ماند!

111

عرض بزرگراه ها کم است

حوصله راننده ها کمتر

روبرویم و در دوجانبم پر از ماشین است

بوق چرا می زنی عزیز برادر

چرا چراغ؟!

112

عزا دار است راننده این ماشین مشکی مگر

که شیشه چراغهای راهنمایش را هم حتی

سیاه کرده است!

113

علف زیر لاستیک ماشینم سبز شد

چراغ راهنمایی سبز نشد

قبل از چهار راه سنول!

114

فرشته شاخ و دم ندارد

امدادگران جاده

فرشته های فرستاده خداوندند!

115

کاش خیابانهای ما

شبیه این آسمان نیمه ابری بود

به ابرها نگاه کن که
چگونه با عطوفت از کنار هم عبور می کنند

116

کسی نمی پرسد کجا می روی
کسی نمی پرسد چرا می روی
همه اما سؤال می کنند
چرا چنین پرشتاب می روی ؟

117

کنار اینهمه بیل خورد تبلیغاتی
در بزرگراهها و خیابانها
برای ” کلاسهای آموزشی و لوازم خانگی و پوشاک“
سهم کوچکی هم به تبلیغ
برای بهتر رانندگی کردن بدهید:
”کمی دیرتر ، ولی بسلامت می رسید“
”بهتر راندن ، راهها را ایمن تر می کند“
”خانواده در انتظار تست ، آرام تر بران“

118

گریه ماشین را هرگز آیا دیده اید؟
من دیده ام هزار بار
وقتی سر سه راهی گیر افتاده
و هیچکس مجال عبورش نمی دهد

119

گفته اند

بار کج به مقصد نمی رسد
راننده عجول و بی احتیاط هم
شاید

120

گفته بودم برای اینکه سبز باشی
کنار خیابانها و بزرگراه ها درخت کاشته اند
ولی افسوس که رنگ بیشتر آنها
بعلت عبور سواری های دودزا
به سیاهی گرائیده است

121

لبخند ماشین را دیده اید ؟
من دیده ام
وقتی برای عبور ماشین دیگری
توقف می کند

122

لختی کنار بزرگراه توقف می کنم
تا عبور ماشین ها را نظاره کنم
چقدر به سرعت می روند
من هم آیا
به همین سرعت می رفتم ؟

123

ماشین بیمار را به تعمیرگاه می برند
کاش برای راننده های بیمار هم
تعمیرگاهی بود!

124

ماشین چهار چرخ دارد
چهارپا اما نیست
تو هم بر چهارپا سوار نیستی
پس شان و منزلت رانندگی را نگهدار

125

مجری رادیو پیام
مرتب گزارش علمی می دهد:
”پرتقال تلخ“ ، ”ذغال اخته“
”دارچین“ و ”گریپ فروت“
برای سلامتی چه مزایایی دارند
یکبار نشنیدم بگوید:
خوردن فلان میوه
برای سلامت رانندگی مفید می باشد

126

مساحت زندگی شهر نشینان
برابر است با
عرض خیابان ها
ضربدر

طول بزرگراه ها!

127

مسافر کش اگر خودش را

بجای مسافر بگذارد

کرایه را به دلخواه خودش

زیاد نمی کند

128

مگر در ابتدای این پل

علامت عبور کامیون و اتوبوس ممنوع نبود؟

پس با کدام مجوز

این اتوبوس روی پل

گاز می دهد

و دود به خورد خلق الله ؟

129

مگر کسی به او نگفته بود

سر پیچ های تند

باید سرعتش را کم کند

تا این بلا سرش نیاید

130

مقررات رانندگی را

برای گرفتن گواهینامه یاد می گیریم

گواهینامه تا به دستان رسید

تمام دانسته ها

از یاد می روند

131

مقررات رانندگی را رعایت کردی ؟

خدا قوت

132

ممکن است تصور کنید

سرودن این شعرهای ترافیکی بیهوده است

ولی نظری دیگر دارم من

”امر به معروف“ در هر زمینه ای مفید و واجب است

133

موتور سوار

خیلی شتاب گرفته

مگر خیال خودکشی دارد!

134

موتوری برای سواری بوق می زند

سواری برای موتوری

پیاده اما کنار خیابان

برای سوار شدن هی دست تکان می دهد

و هیچکس سوارش نمی کند

135

می شناسمش از قدیم

جوان صبور و آرامی است

ولی افسوس

پایش تا به پدال گاز می رسد
صبر و حوصله و آرامش
از روانش پر می کشد

136

مینی بوس خط وسط را
اشغال کرده
و چقدر هم آهسته می رود!

137

نکاتی برای رانندگی
به ویژه در بزرگراه ها و جاده ها:
وقتی که خسته اید نرانید
وقتی که خوابتان می آید نرانید
وقتی که مشکل اعصاب دارید نرانید
وقتی افسرده اید نرانید
هیجان زیاد هم اگر دارید
خلاصه کنم
وقتی که حالتان طبیعی نیست نرانید
اگر رعایت کنید این موارد را
در رانندگی از بهترانید!

138

نور این چراغها
به درد اطاق خواب هم نمی خورد
چه رسد به خیابان!

139

نه این ماشین گاو است
نه تو گاوچران
نه این بزرگراه مزرعه
که به هر طرف که دلت می خواهد می رانی

140

نیش مار و عقرب
موجب هلاکت می شود
نیش ترمز اما
موجب سلامتی!

141

ورود ممنوع می روی ؟
رفتن به ورود ممنوع معادل است با
رفتن به حریم خصوصی دیگران!

142

های راننده بی ملاحظه
دیدنی دوباره بوق بی جا زدی
چند بار بگویم بوق زدن بی مورد
هیچ مشکلی را حل نمی کند

143

هر روز از بزرگراه حکیم و چمران
عبور می کنم
هر بار که در بزرگراه هستم

احساس می کنم
در پیست مسابقه اتومبیلرانی هستم
و همیشه احساس می کنم
در این مسابقه بازنده ام

144

هر روز از ده پل عبور می کنم
بر رودخانه هایی که آب ندارند
سیلی از آهن در آنها جاری ست!

145

هر روز رانندگی آنهم بدون یکبار تصادف
ظاهرا معمای پیچیده یا معجزه ای بزرگ است
اینطور نیست
معمای ساده ای است و راه حل آن:
به آرامی و با احتیاط برانید!

146

همه بنزین بدون سرب مصرف می کنند
پس چرا هنوز
آسمان غبار آلوده و سربی است ؟

147

هنگام رانندگی
آن هم با سرعت بالای صد
چقدر حرف می زنی
نصف حواست صرف حرف زدن می شود

148

هنگام رانندگی با موبایل صحبت می کنی ؟

هنگام رانندگی بچه بغل کرده ای ؟

هنگام رانندگی روزنامه می خوانی ؟

هنگام رانندگی جدول حل می کنی ؟

بجای این کارهای نادرست

هنگام رانندگی با شنیدن آهنگی آرامش بخش

آرامش بگیر و با احتیاط بران

149

هی بوق می زنی ، چه معنی دارد ؟

پیاده دارد از مقابلم عبور می کند

بوق می زنی یعنی که زیرش بگیرم ؟

150

هی گاز

هی ترمز

آرام تر کمی – یا

مراجعه کن به دکتر اعصاب!

151

یادت باشد ” 7 الف “ را در هنگام رانندگی

در خیابانها و بزرگراهها رعایت کنی

-آرامش خیال ، هرچقدر ترافیک باشد

-آئینه های رو برو و بغل را پائیدن

-اجتناب از سرعت زیاد و زیگ زاگ زدن

- احترام گذاشتن به دیگران و رعایت آنها
- از سمت راست رفتن ، حتی المقدور
- از سواری جلو تر فاصله داشتن
- و انتخاب مسیر پیش از رسیدن به چهار راه

152

یقه ی یکدیگر را گرفته اند
آنهم برای یک تصادف جزئی

برادر عزیز بدان که در این بزرگراه شلوغ
همیشه احتمال تصادف هست
چاقو را چرا از جیب در می آوری ؟
- فرزندم ، تصادف کوچکی است
مسئله بزرگی نیست
بیش از این فاجعه ببار نیاور
چاقویت را غلاف کن
به دوستانت هم بگو تماش کنند

خدا را شکر به خیر گذشت
پشت فرمان نشست و بقیه هم سوار شدند
چاقوی پاک را به کنار بزرگراه پرت کرد
و براه افتاد

153

یک جفت چشم کافی نیست
شش جفت لازم است برای دیدن شش جهت
هنگام رانندگی
در خیابانها و بزرگراهها

154

یکی به این موتور سوار تذکر نمی دهد
برادر عزیز
کلاه ایمنی به سر گذاشته ای خیلی خوبست
همسر و فرزندت را اما چرا
بدون تجهیزات ایمنی
ترک موتور سوار کرده ای ؟

155

یکی نمی پرسد
چرا برای ماشین ها هم
خانه سالمندان درست نمی کنند ؟
اینهمه ماشین از رده خارج
در سطح شهر چکار می کنند؟

با آرزوی سلامتی و موفقیت برای همه

جواد شریفیان

شهریور 1384